

# دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



## بررسی نگرش آموزشی تدریس بر اساس طرح پروژه

آرزو بیرامی<sup>۱</sup>، مریم مسیبی و سمه جانی<sup>۲</sup>، فائزه رحمتی<sup>۳</sup>

۱- کارشناسی ارشد شیمی تجزیه، دانشگاه ارومیه

[Beyrami.ab@gmail.com](mailto:Beyrami.ab@gmail.com)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد شیمی تجزیه، دانشگاه گیلان

[Mmosayyebi90@gmail.com](mailto:Mmosayyebi90@gmail.com)

۳- کارشناسی، آموزش ریاضی دانشگاه فرهنگیان تهران مرکز شرافت

[Faeze.rahmati77@gmail.com](mailto:Faeze.rahmati77@gmail.com)

### چکیده

یادگیری بر اساس اجرای پروژه یا حل مسئله مقوله جدیدی نیست و تاریخ آن از تاریخ تعلیم و تربیت کوتاه تر نیست. این روش یادگیری در طی زمان همراه با تغییرات و تحولات در درک اصول تئوری های یادگیری و به موازات تحقیقات در علوم روانشناسی و یادگیری، در قالب مدل های رفتاری و روش های یادگیری و آموزشی، به شکل های متفاوت اجرا شده است. آموزش از راه درگیر کردن دانش آموزان در فعالیت های عملی همیشه مورد توجه بوده است و اینگونه یادگیری بر اساس تجربه همواره با ارزش تلقی شده است. به همین دلیل اغلب دست اندرکاران امر آموزش و یادگیری، طراحی سفرها و اردوهای آموزشی، تحقیقات آزمایشگاهی و سایر فعالیت های عملی را به جهت دستیابی به اهداف آموزشی و غنی کردن آن ها و گسترش برنامه های درسی را توصیه و ترغیب کرده اند.

واژگان کلیدی: رویکرد آموزشی، روش تدریس، اجرای پروژه، حل مسئله

### ۱ - مقدمه:

امروزه، روش های جدید و فعال یادگیری نقش اساسی دارند، اما باید از این روشها به گونه ای استفاده شود که دانش آموزان به جای ذخیره اصول و محتوای علمی، درگیر مسائل اصلی زندگی و مشکلات زندگی شوند. واقعیت آنها برای یادگیری مهم است. زیرا روشهای ابتکاری و سازگار زندگی باعث جذابیت بیشتر اوضاع آموزشی و افزایش میل و تلاش فراگیران در یادگیری می شود. (میرز، ۱۳۹۴).

یکی از مهمترین مهارتهایی که دانش آموزان باید در دوره ابتدایی بیاموزند مهارت حل مسئله است و اگر سیستم آموزشی بتواند توانایی حل مسائل را به زبان آموزان بیاموزد، به اهداف خود رسیده است. هرچه فراگیران قدرت تصمیم گیری و انتخاب راه حل های مناسب را داشته باشند، تأمین نیازهای روزمره برای آنها آسان تر و موفقیت آنها بیشتر خواهد بود. (ادیب نیا، ۱۳۹۶).

مهارت حل مسئله یکی از مهارت های شناختی است که انسان را در حل مسائل درونی و بیرونی خود یاری می دهد. آموزش این مهارت می تواند از بروز مسائل و مشکلات نوجوانان و بحرانی شدن تعارضات آنان جلوگیری کند. یافته ها دال بر آن است که مهم نیست که افراد در زندگی با مشکل، دردسر و گرفتاری مواجه نشوند، بلکه مهم آن است که در مواجهه با این موقعیت ها بتوانند با شیوه ای صحیح عمل کنند. برخی افراد حتی قادر به بر طرف کردن مسائل روزمره خود نیستند و در مقابل کوچکترین مسئله یا انتخاب دچار پریشانی، دستپاچگی و آشفتگی می شوند. در مقابل این گروه، افراد دیگری نیز وجود دارند که حل مسائل و مشکلات متنوع و مواجهه با موقعیت های چالش انگیز نه تنها در درون آنها آشوب را به وجود نمی آورد، بلکه آنها را به این سطح از خودآگاهی می رساند که نقاط ضعف خود را شناخته و بر طرف نمایند. عمده ترین علت موفقیت این افراد این است که که هنگام مواجهه با مشکلات و گرفتن یک تصمیم از روشی منظم و مرحله به مرحله استفاده می کنند، حال آنکه گروه طرف مقابل فاقد این توانمندی هستند. مهارت حل مسئله

# دوین کنفرانس ملی مطالعات خانوادہ و مدرسہ



یکی از کارکردهای عالی ذهن است که اکتساب آن معمولاً به آموزش نیاز دارد. اگر چه انسان در حوزه های مختلف با مسائل متنوعی مواجه است، با این حال می توان اصولی کلی را در نظر گرفت که تقریباً در همه نوع مسائل انسانی کاربرد دارند. حل مسئله شامل مجموعه پیچیده ای از مؤلفه های شناختی، رفتاری و نگرشی است (ویسی و همکاران، ۱۴۰۰). مایر (۱۹۸۳) حل مسئله را فرایند چند مرحله ای تعریف کرده است که در آن فرد باید رابطه میان تجارب گذشته و مسئله موجود را دریابد و با توجه به آن راه حل مناسبی را اتخاذ کند. او سه ویژگی را برای حل مسئله مطرح کرده است: حل مسئله فرایندی شناختی است ولی از رفتار استنباط می شود، نتیجه فرایند حل مسئله ارائه راه حل است و حل مسئله مستلزم دست کاری یا عمل کردن براساس دانش پیشین است. پژوهش ها نشان داده اند که کسانی که مغلوب مشکلات می شوند از مهارت های حل مسئله اندکی برخوردارند. افرادی که از توانایی حل مسئله برخوردار نیستند، به محض اینکه با مانعی برخورد می کنند، ممکن است رفتارهای تکانشی از خود بروز دهند، احساس ناکامی کنند، پرخاشگر شوند یا برای اجتناب از مواجهه با موقعیت مشکل ساز گوشه گیر شوند. تکرار چنین موقعیت هایی ممکن است به ایجاد و بروز رفتارهای غیر انطباقی منجر شود. بعلاوه افرادی که از توانایی حل مسئله برخوردارند می توانند راه حل های منطقی را در مراحل متوالی برای حل مسائل خود برگزینند؛ آنها می توانند موانع بالقوه در حل مسائل را حدس بزنند و برای رفع آنها اقدام نمایند (محمد امینی، ۱۳۹۲). درواقع، مهارت حل مسئله یکی از کارکردهای عالی ذهن است که اکتساب آن معمولاً به آموزش نیاز دارد و اگرچه انسان در حوزه های مختلف با مسائل گوناگونی روبرو است، با این حال اصول کلی این مهارت تقریباً در همه نوع مسائل انسانی کاربرد دارند. حل مسئله شامل مجموعه پیچیده ای از مؤلفه های شناختی، رفتاری و نگرشی است و فرآیندی چند مرحله ای است که در آن فرد باید رابطه میان تجارب گذشته و مسئله موجود را دریابد و با توجه به آن راه حل مناسب را برگزیند. بنابراین، مهارت حل مسئله، مهارتی مقابله ای و عملی است که موجب افزایش اعتماد به نفس می شود و با سازگاری شخصی خوب ارتباط دارد و شامل پنج گام است: ادراک خویشتن، تعریف مسئله، تهیه فهرستی از راه حل های مختلف، تصمیم گیری در مورد مناسب ترین راه حل و امتحان کردن راه حل انتخابی. مهارت حل مسئله فرآیند تفکر منطقی و منظمی است که به فرد کمک می کند تا هنگام رویارویی با مشکلات، راه حل های متعددی جستجو کند و سپس بهترین راه حل را انتخاب نماید. هنگامی که افراد از مهارت حل مسئله برای برطرف کردن مسائل بین فردی و مسائل اجتماعی استفاده می کنند به آن مهارت حل مسئله گفته می شود. امروز بسیاری از محققان معتقدند مهارت های مقابله ای مانند توانایی حل مسئله، دوراندیشی و انجام ارزیابی های منطقی و درست به افراد کمک می کند تا به طور موفقیت آمیزی با مشکلات مقابله نمایند (بیرامی، ۱۳۹۳). بنابراین، مهارت های زندگی و حل مسئله به مجموعه ای از توانایی ها گفته می شود که زمینه سازگاری رفتار مثبت و مفید را فراهم می آورد، این توانایی، فرد را قادر می سازد که ضمن پذیرش مسئولیت های فردی و اجتماعی خود، بدون لطمه زدن به خود و دیگران بتواند به شکل مؤثری با خواست، انتظارات و مشکلات روزانه در روابط بین فردی روبرو گردد و بدین طریق از گرفتار شدن به آسیب های رفتاری، روانی و اجتماعی در امان باشد. انسان ها برای مقابله سازگارانه با استرس ها، موقعیت های مختلف به کارکردهایی نیاز دارند که بسیار زیربنایی است. کارکردهایی نظیر شناخت ها، عواطف و رفتارهایی که در قالب ساختارهایی مانند عزت نفس، خود کارآمدی، درک از خود و مهارت های اجتماعی تجلی می کند (حیدری اسبویی، ۱۳۹۷). در واقع، مهارت حل مسئله یک راهبرد فراشناختی نوین در آموزش است که می تواند مهارت تصمیم گیری دانش آموزان را ارتقا دهد (رئیسون، محمدی، امیرآبادی زاده، اکبری و سعیدزاده، ۱۳۹۷). به طور کلی حل مسئله به فرایند شناختی - رفتاری ابتکاری فرد اطلاق می شود که به وسیله آن فرد می خواهد راهبردهای مؤثر و سازگارانه مقابله ای برای مشکلات روزمره را تعیین، کشف یا ابداع کند (زهراکار و رضازاده، ۱۳۸۹). از این رو یادگیری مهارت حل مسئله افراد را قادر می سازد با مشکلات موجود و مختلف به نحوی مواجه شوند تا مسئله ای باقی نماند و فرد بتواند در جهت رسیدن به اهداف، موانع را به آرامی و با برنامه ریزی حذف کرده و سلامت زندگی خود را حفظ و تثبیت کند (شریف زاده، ۱۳۹۱). بنابراین، مهارت حل مسئله یک فرایند شناختی، عاطفی و رفتاری است که در طی آن یک فرد یا گروه در تلاش هستند که ابزارهای سازگار یا مؤثر مقابله ای با مسائلی را که در زندگی روزمره با آن مواجه هستند، کشف کرده یا به وجود آورند به عبارت دیگر مهارت حل مسئله به فرآیندی اطلاق می شود که در طی آن یک راه حل مناسب به وسیله فرد یا گروه برای مسئله کشف می شود. هیجان ها اغلب اولین نشانه وجود مسئله و لزوم حل آن هستند، در مرحله بعد شناخت ها و جریان شناسایی مسئله، طرح ریزی راه حل های احتمالی و پیامدهای آن ها و برنامه ریزی برای اجرای بهترین راه حل مورد استفاده قرار می گیرند

# دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



و سرانجام برای تکمیل این سیر تسلسلی باید از مهارت‌های رفتاری استفاده شود. به عبارت دیگر مهارت حل مسئله به فرآیندهایی اطلاق می‌شود که در طی آن فرآیند به وسیله یک فرد یا یک گروه یک راه حل برای مسئله کشف شود (میکلانی، ۱۳۹۶).

حل مسئله در سالهای اخیر یکی از موضوعات اصلی در فعالیتهای یاددهی و یادگیری بوده است. مدت ها است که حل مسئله توسط محققان مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است، با این حال، تعریف حل مسئله هنوز جهانی نیست. جوناسن (۲۰۰۳) حل مسئله را یک فرآیند فکری فردی تعریف می کند که فرد طبق قانون می آموزد و می تواند در حل مشکلات در هر شرایطی از آن استفاده کند. همچنین این یک نوع جدید از یادگیری است و بنابراین استفاده از دانش و روش ها در برابر مشکلات و مسائل است. به طور کلی، هر فرد برای حل مشکلات به دانش و مهارت نیاز دارد. هنگامی که یادگیرنده با شرایطی روبرو می شود که نمی تواند به سرعت با استفاده از اطلاعات و مهارتهایی که در آن لحظه دارد، به موقعیت پاسخ دهد یا هنگامی که یادگیرنده هدفی دارد و هنوز راهی برای رسیدن به آن پیدا نکرده است، با مشکلی روبرو شد با توجه به تعریف مسأله، حل مسأله را به صورت تشخیص و کاربرد دانش و مهارت هایی که منجر به پاسخ درست یادگیرنده به موقعیت یا رسیدن او به هدف مورد نظرش می شود، تعریف کرد. لذا، کلید حل مسئله استفاده از دانش و مهارت هایی است که قبلاً در موقعیت های جدید آموخته اید. به همین دلیل است که در طبقه بندی انواع یادگیری بلوم، حل مسئله در کلاس برنامه ذکر شده است (سیف، ۱۳۹۳). این روش باعث تقویت تفکر عمیق، تفکر تحلیلی، تفکر انتقادی (نقد)، خلاقیت، اعتماد و اطمینان در اتخاذ روش های علمی می شود و دانشجویان می توانند روش تحقیق را بیاموزند (طالب پور و همکاران، ۱۳۹۴).

حل مسئله فرایند کشف و تعیین توالی مسیرهای صحیح منتهی به هدف یا راه حل است. وقتی با مشکلی روبرو می شوید، باید در رسیدن به هدف خود از موانع یا مشکلات عبور کنید. در روانشناسی، مسئله معمولاً به محیط بیرونی فرد مانند پیچ و خم ها، معماها و مسائل ریاضی مربوط می شود. راه حل و جواب مشخصی وجود دارد. در این میان، عامل اصلی در حل مسئله استفاده از تجربه قبلی شخص برای دستیابی به راه حل و پاسخی است که فرد قبلاً نمی دانست. حداقل در شرایط خاصی که فرد در آن قرار دارد، تجربه گذشته، دانش و مهارت پیش شرط حل مسئله است.

یکی از اهداف اصلی آموزش توانایی حل مسئله، خلاقیت و ابتکار دانش آموزان است. با این توانایی ها، دانش آموزان می توانند با موقعیت های مختلف زندگی و موقعیت های جدید سازگار شوند. توسعه این توانایی ها از طریق روش های فعال آموزشی امکان پذیر است (آرمند، ۱۳۹۴).

با وجود اینکه قدرت تمیز، داوری، مفهوم سازی و استدلال و تقویت قدرت تفکر از اهمیت انکارناپذیری در زندگی فردی و جمعی برخوردار است، بسیاری از دانش آموزان و حتی دانشجویان فاقد قدرت تمیز در امور داوری و استدلال هستند. همه بزرگان دلیل آن را جستجو و اندیشیده اند. لذتی که انسان در مسیر حقیقت جویی و پرورش فکر ایجاد می کند یکی از عالی ترین لذت هاست. دوران کودکی دوران حساس و حساس زندگی است. کودکان سرشار از کنجکاوی، خلاقیت و آرزو هستند و اشتیاق به شناخت و درک وجود دارد. بنابراین، این دوره باید گرمی داشته شود و عادات آزاداندیشی و تفکر خلاق با پرورش استعدادهای هرچه بیشتر کودکان، ایجاد یا نهادینه شود. تفکر چیزی است که از ذات انسان ناشی می شود و بنابراین برای انسان امری طبیعی است، اما درست اندیشیدن مسئله هدایت، تمرین و آموزش است. تفکر منطقی انسان را به سمت هماهنگی و سلامتی سوق می دهد، تعارض فرد را به حداقل می رساند و به او در شکل گیری وظایف و برقراری ارتباط با جهان کمک می کند. تفکر منطقی منجر به رضایت بیشتر می شود و به مردم کمک می کند تا با حوادث کنار بیایند و دیدگاه روشنی نسبت به آنها داشته باشند. در سال های اخیر، تمایل به مداخلات "مهارت های تفکر" افزایش یافته است. این علاقه از بحث در مورد تغییر ماهیت مهارت های مورد نیاز در جامعه معاصر ناشی می شود. برنامه های آموزش تفکر انواع مختلف، پیچیدگی های مختلف و منابع مختلفی دارند. آنها همچنین در اثربخشی، دوام و عملکرد متفاوت هستند. آموزش فلسفه به کودکان یک کلید طلایی است که می تواند به کودکان در پرورش مهمترین جنبه درونی تفکر کمک کند (لورین، ۱۳۹۲).

افزایش توانایی مهارت حل مسئله به عنوان یکی از راه های خلاقیت دانش آموزان می باشد و می تواند تأثیر مستقیمی بر اعتماد به نفس آنان داشته باشد. از طرف دیگر، مهارت حل مسئله موجب افزایش یادگیری، فعال بودن، علاقمندی و همکاری در جریان یادگیری دانش آموزان می شود (راتی، ۲۰۰۴). آموزش حل مسئله، فرآیندی ساده است که به راحتی می توان آن را آموخت. در این رویکرد



فرد می آموزد که چگونه به شیوه های صحیح و کار آمد، مشکل را تعریف و بررسی نمود، برای حل آن اقدام نماید (عطادخت، نوروزی و غفاری، ۱۳۹۲).

یکی از مهارت های زندگی، مهارت «حل مسئله» است. توانایی کودک در به کارگیری تفکر برای حل مسئله، کلید موفقیت در زندگی او خواهد بود. منافع زودرس بسیاری نیز در گرو این حقیقت هستند که کودکان را مسئله گشا تربیت کنیم. فعالیت های ناظر به حل مسئله، موجب تحریک و توسعه مهارت های مربوط به تفکر و استدلال می شود. این فعالیت ها دانش کودک را درباره ارتباطها و امور، واقعی و کاربردی می کنند. یکی از موفق ترین برنامه های مداخله در مدارس برای جلوگیری و کاهش مشکلات رفتاری دانش آموزان، آموزش حل مساله است (محمدی، ۱۳۸۱).

حل مساله یکی از مولفه های شناخت اجتماعی و یک فرایند شناختی-رفتاری است که در آن فرد می کوشد، برای موقعیت های مشکل آفرینی که در زندگی روزمره با آنها مواجه می شود، راه حل های سازگارانه و موثر را شناسایی و کشف کند (چانگ، ۱۳۹۴). در این تعریف حل مساله به عنوان یک فعالیت هدفمند-مجدانه-آگاهانه و همچنین به عنوان یک پیامد شناختی هدفمند و موثر در نظر گرفته می شود. براساس شواهد ارائه شده، آموزش حل مساله از طریق والدین و معلمان در کاهش رفتارهای نامناسب و بهبود رفتارهای اجتماعی دانش آموزان دیرآموز کاهش پرخاشگری و همچنین افزایش توانایی کنترل خود، توجه به عملکرد تحصیلی، بهبود مهارت های شناختی و تحصیلی دانش آموزان و اصلاح رفتارهای نامناسب دانش آموزان موثر بوده است (شکوهی یکتا و زمانی، ۱۳۹۱). در بررسی تاثیر آموزش روش های حل مساله بر کودکان و نوجوانان، پژوهش ها نشان دهنده پیشرفت مهارت های شناختی حل مساله در نتیجه آموزش است. آموزش حل مساله به واسطه تقویت شیوه مقابله مساله محور و کاهش شیوه مقابله ای هیجان محور، موجب کارآمدی بهتر فرد در مواجهه با موقعیت تنیدگی زا و کاهش علائم رفتاری نابهنجار می گردد (اسدی دستجردی، ۱۳۹۲).

## ۲. روش شناسی تحقیق:

روش شناسی، استراتژی، برنامه کار، فرایند یا طرحی است که در پشت انتخاب روش مورد استفاده ما نهفته است و روش شناسی است که انتخاب و استفاده محقق را به نتایج مطلوب متصل می کند (بلیکی، ۱۳۹۱). چون تجزیه و تحلیل اطلاعات در اشکال مختلف غیر کمی یا غیر مقداری هستند و مداخله کنترلی از سوی محقق اعمال نخواهد شد، مدل تحلیل این پژوهش، تحلیل توصیفی است. پژوهش تحلیلی، پژوهشی است که بر اساس آن، اطلاعاتی که از طریق بررسی اسناد، مدارک و کتاب به دست آمده است، به گونه ای سامان دهی می شود که به پرسش های پژوهش پاسخ داده شود (بازرگان و همکاران، ۱۳۹۱). به منظور رسیدن به اهداف پژوهش، برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش، از روش مطالعه ی کتابخانه ای و اسنادی و بررسی منابع چاپی و الکترونیکی استفاده شد.

از سوی دیگر از آنجا که در این پژوهش، اطلاعات و داده ها از طریق مطالعه و خواندن مواد چاپ شده از قبیل کتب و اسناد و مدارک و مقالات موجود در کتابخانه ها، وب سایتهای علمی پژوهشی و .... جمع آوری گردیده، روش انجام تحقیق کار پشت میزی یا کتابخانه ای و به صورت کیفی می باشد. منظور ما از روش تحقیق کیفی رویه تحقیقی است که یافته های آن از طریق داده های آماری و یا کمی به دست نیامده باشد (محمدی، ۱۳۹۰). تحقیق کیفی با معانی، مفاهیم، تعاریف، نمادها و توصیف ویژگی ها سروکار دارد. در این روش تأکید بر تعبیری و تفسیری بودن مفاهیم مفروض است.

## جامعه آماری پژوهش:

در این تحقیق جامعه آماری پژوهش شامل موارد زیر است: کتاب های موجود در کتابخانه ها و مراکز تحقیقاتی، مقالات و نشریات مرتبط با موضوع درس پژوهی می باشد

## روش ها و ابزار گردآوری اطلاعات:



# دوین کنفرانس ملی مطالعات خانوادہ و مدرسہ



در این مطالعه، برای گردآوری داده‌ها از روش‌های پژوهش توصیفی و موردکاوی استفاده شده است. همچنین در این پژوهش از منابع دست دوم شامل منابعی که توسط اشخاص و نویسندگان و دانشمندان دیگر در مورد موضوع پژوهش از جمله: کتب درسی، پایان‌نامه‌ها و مقالات، نشریات، روزنامه‌ها، مجلات، رسانه‌های عمومی و... استفاده شده است. ابزار ما در این تحقیق فیش برداری از منابع دست دوم بوده است.

برای تحلیل منابع از روش تحلیل داده‌های کیفی استفاده شده است که مستلزم انجام سه فعالیت است: الف - تلخیص داده‌ها. ب - عرضه داده‌ها. ج - نتیجه‌گیری/تأیید، است.

الف- تلخیص داده‌ها: در این مرحله، آرا و نظرات اندیشمندان و صاحب‌نظران در مورد موضوع پژوهش با توجه به سؤالات تحقیق، خلاصه و سازماندهی شده‌اند و از تکرار مطالبی که ممکن است از منابع مختلف اخذ شده باشند، ممانعت به عمل آمده است.

ب - عرضه داده‌ها: در این مرحله، اطلاعات مهم و مرتبط به هم در یک مجموعه به هم پیوسته و سازمان‌دهی شده، با توجه به سرفصل‌های تعیین شده، تنظیم و ارائه شده‌اند تا بتوان بر اساس آن‌ها به نتیجه‌گیری مستدل و مستند پرداخت.

ج - نتیجه‌گیری/تأیید: در این مرحله است که پاسخی روشن و شفاف در خصوص هر یک از سؤالات تحقیق به صورتی جامع و کامل بیان گردیده است. در این صورت در تحقیق حاضر که پژوهشی کیفی است، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است، زیرا از طرفی در پی توصیف و شناخت شرایط موجود و از طرف دیگر در پی تحلیل و کشف عناصر و مفاهیم اصلی در نظریات محققان، پژوهشگران و مولفان در زمینه موضوع پژوهش بوده است. (چمل نژاد، ۱۳۹۳)

## ۳. بحث اصلی:

### ۳-۱. یادگیری بر اساس اجرای پروژه

یادگیری بر اساس اجرای پروژه، مدلی برای فعالیت‌های کلاس است که از روش‌های معلم محور که همیشه در آن این خطر وجود دارد که توجه و تمرکز دانش‌آموز به فراگیری مطلب مورد نظر از دست برود و قبل از آن که علائم آن ظاهر شود انگیزه دانش‌آموز، و به موازات آن اشتیاق و رغبت معلم تخفیف یابد، تغییر جهت داده و بر فعالیت‌هایی تأکید می‌شود که دانش‌آموز محور، میان‌رشته‌ای و در تلفیق با مسائل روال دنیای واقعی است و در نتیجه یادگیری سوق داده می‌شود به سوی یادگیری در طول زمان زندگی.

یکی از امتیازهای یادگیری بر اساس اجرای پروژه آن است که با این روش می‌توان با درگیر کردن دانش‌آموزان در خودآموزی، در آنها انگیزه به وجود آورد. یادگیری بر اساس اجرای پروژه فرصتی فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان علایقشان را پیگیری کنند، سوال طرح کنند، در مورد چگونه یافتن پاسخ تصمیم‌گیری کنند و مسائل را حل کنند در این روش از اینکه با در اختیار قرار دادن نوشته، قالب و الگو و ... و متن‌های هدایت‌کننده و مقیدکننده دانش‌آموز در شرایطی قرار بگیرد که با اتکا بر آنها نیازی به تفکر و کاوش و کشف نداشته باشد اجتناب می‌شود. دانش‌آموز باید در فضایی قرار بگیرد که بداند باید خود اقدام کند و با اتکا به خودش به فهم دیگران و تفهیم خودش به دیگران مبادرت کند تا به مهارت‌های لازم مجهز شود.

یادگیری بر اساس اجرای پروژه، فرصتی برای یادگیری میان رشته‌ای فراهم می‌کند. دانش‌آموزان به جای آنکه در انزوا و یا در محیطی مصنوعی، کاربرد محتوای زمینه‌های موضوعات متفاوت را آزمایش کنند آن را با تلفیق در لحظه‌های اصیل در مراحل تولید استفاده می‌کنند.

یادگیری بر اساس اجرای پروژه کمک می‌کند تا یادگیری با برقراری پیوند با زندگی در خارج از کلاس، با مورد خطاب قرار دادن دغدغه‌های دنیای واقع، و کسب مهارت‌های لازم در دنیای واقعی و رشد آن‌ها، مرتبط و مفید واقع شود. بسیاری از مهارت‌های کسب شده از طریق یادگیری بر اساس اجرای پروژه همان‌هایی هستند که خواسته کارفرمایان دنیای امروز هستند از جمله توانایی کار در صلح و آرامش و دوستی با دیگران، تصمیم‌گیری‌های از روی خرد و اندیشه، نوآوری، و حل مسائل پیچیده.

یادگیری بر اساس اجرای پروژه فرصت‌های بی‌نظیری برای ایجاد و برقراری ارتباط بین معلم و دانش‌آموز فراهم می‌کند. معلم‌ها نقش متنوعی از مربیگری، آسان‌کننده و فراگیر را عهده دار می‌شوند. نتایج نهایی، طرح‌ها، خطوط اصلی، پیش‌نمونه‌ها و سایر

# دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



فعالیت ها همگی نکات و بهانه های مکالمه ای بسیار خوبی برای بحث و گفتگو و مورد بررسی قرار دادن بین معلمان و دانش آموزان فراهم می کنند.

علاوه بر آن، یادگیری بر اساس اجرای پروژه در مدرسه و ماورای مدرسه فرصت هایی فراهم می کند تا معلمان با یکدیگر و با سایر دست اندرکاران در امر آموزش ارتباط برقرار کنند. کار دانش آموزان که شامل اسناد یادگیری و پروژه های نهایی دانش آموزان می شود را می توان در اختیار سایر معلمان، والدین، راهنمایان، و جامعه اقتصادی که منافی در تعلیم و تربیت دانش آموزان دارند گذاشت

یکی از شاخصه های یادگیری بر اساس اجرای پروژه آن است که در آن، معلم ها و دانش آموزان به عنوان مهمترین مسئله در تعیین عنوان برنامه آموزشی در نظر گرفته می شوند. موفقیت در یادگیری مستلزم آن است که پروژه بر اساس استاندارد باشد، اهداف آن به طور شفاف مطرح شده باشد و یادگیری هم در فرایند و هم در پیامد حمایت نشان داده شود.

یادگیری بر اساس اجرای پروژه فرصتی فراهم می آورد تا دانش آموزان انواع تکنولوژی ها را به عنوان ابزار طراحی، ایجاد و با ارائه پروژه های شان به شکلی موثر به کار ببرند. تکنولوژی می تواند کانون اصلی یک پروژه باشد، و با تلفیق موضوع برنامه آموزشی و استفاده واقعی از آن در فرآیند تولید مورد استفاده قرار گیرد.

پروژه ها به نحوه ی طراحی می شوند تا توان تصمیم گیری و نوآوری دانش آموزان در طول دوره پروژه از انتخاب موضوع تا طراحی، تولید و تصمیمات ارائه طرح افزایش یابد پروژه ها باید ساختار و بازخورد مناسب داشته باشند تا در کسب مهارت در تصمیم گیری های خردمندانه و بازنگری ها به دانش آموزان کمک کند. معلمان با مستند سازی تصمیمات، بازنگری ها و نوآوری، مواد با ارزشی برای ارزیابی کار و رشد دانش آموز به دست می آورند.

یادگیری بر اساس اجرای پروژه، احساس تشریک مساعی میان دانش آموزان، بین دانش آموز و معلم و بین دانش آموزان و سایر اعضای جامعه را تقویت می کند. این شیوه برآنست که به دانش آموزان فرصت دهد تا مهارت های تشریک مساعی (از قبیل تصمیم گیری های گروهی، تکیه بر کار همسالان، و کار با سایرین از قبیل محققان دانش آموز) را بیاموزند.

ارتباط با دنیای واقعی؛ منوط به هدف پروژه؛ می تواند اشکال بسیاری داشته باشد. یادگیری بر اساس اجرای پروژه ممکن است چون مسائل دنیای واقعی؛ که در ارتباط با زندگی یا جوامع مربوط به دانش آموزان است؛ را مورد خطاب قرار می دهد در ارتباط با دنیای واقعی باشد. پروژه ای ممکن است از طریق استفاده از متد ها، شیوه ها و مخاطبین واقعی به حرفه های واقعی مربوط باشد. به علاوه ممکن است که ارتباطات دنیای واقعی توسط تبادل اطلاعات از طریق اینترنت یا تشریک مساعی با اعضای جامعه و راهنمایان در دنیای خارج از کلاس صورت گیرد.

**روش حل مسئله:** روش مسئله ای در حقیقت نوعی آماده کردن فراگیر برای زندگی است، زیرا زندگی یعنی مواجه شدن با مسائل و کوشش برای حل آن. در این روش، فعالیت های آموزشی به گونه ای تنظیم می شود که در ذهن فراگیر مسئله ای ایجاد شود و او علاقه مند شود که با تلاش خود راه حلی برای آن مسئله پیدا کند.

## ۲-۳ شرایط ایجاد روش مسئله ای

آن گونه که گولدین (۲۰۱۶) بیان کرده است، در روش مسئله ای، دانش آموز باید شرایط زیر را داشته باشد تا بتواند مسئله را حل کند:

۱. توجه به مسئله
۲. قدرت شناخت و درک مسئله
۳. تشخیص ویژگی های مسئله
۴. آمادگی برای حل مسئله
۵. قدرت تنظیم راه حل های احتمالی
۶. قدرت انجام دادن مسئله و گرد آوری اطلاعات و تحلیل آن ها

# دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



۷. قضاوت در مورد مسئله و اطلاعات گرد آوری شده و پذیرفتن راه حل های معتبر و کنار گذاشتن فرضیه های غیر معتبر
۸. تعمیم و کاربرد مسئله.

## ۳-۲ محاسن و محدودیت های روش مسئله ای

### الف) محاسن:

۱. موجب ارتباط فعالیت های مدرسه با زندگی واقعی شاگرد می شود.
۲. از نظر روان شناسی، بهترین روش های تربیتی برای ایجاد تفکر علمی در شاگردان است.
۳. چون ثابت و خشک و غیر قابل انعطاف نیست، باعث برانگیختن علاقه طبیعی شاگردان به درس می شود.
۴. تقریباً قابل انعطاف با وضع کلاس های متداول است.

### ب) محدودیت ها:

۱. نسبت به فعالیت های متداول مدرسه احتیاج به زمان بیشتری دارد.
۲. احتیاج به معلمان با تجربه و آشنا با روش تحقیق دارد.
۳. وقت گیر است و ممکن است با توجه به برنامه های جاری مدارس نتوان این روش را به طور موثر اجرا کرد.

## ۳-۴ مراحل آموزش حل مسئله

براساس رویکرد احمد و همکاران (۲۰۱۳) هنگامی که به عنوان معلم میخواهید با روش حل مسئله آموزش دهید، باید به مراحل و نکات زیر توجه داشته باشید:

۱. رفتار نهایی دانش آموز را در رابطه با پاسخ صحیح مسئله مشخص سازید. در این مرحله، معلم نتیجه نهایی حاصل از مسئله را برای شاگرد توصیف میکند، این توصیف نباید جواب و راه حل مسئله را در بر داشته باشد، زیرا در روش حل مسئله، هدف این است که دانش آموز خود راه حل مسئله را کشف کند.
۲. اطمینان حاصل کنید که شاگرد مفاهیم و اصولی را که برای حل مسئله پیش نیاز محسوب می شود می داند.
۳. شرایطی فراهم سازید تا شاگردان مفاهیم و اصولی را که برای حل مسئله به کار می رود، به خاطر آورند.
۴. دانش آموزان را به طور شفاهی برای حل مسئله راهنمایی کنید.
- در این مرحله، معلم باید به طور شفاهی نکاتی را که به حل مسئله کمک می کند برای دانش آموزان توضیح دهد تا با استفاده از آن ها بتواند مسئله مورد نظر را حل کنند. این راهنمایی نباید مستقیماً به چگونگی و راه حل مسئله اشاره کند، بلکه باید دانش آموز را بطور غیر مستقیم در پیدا کردن راه حل رهنمون سازد.
۵. برای حصول اطمینان از یادگیری دانش آموزان، از آن ها بخواهید که چگونگی حل مسئله را به طور کامل نمایش دهند و مسائل جدیدی را با همان اصول حل کنند.

## ۳-۵ اصول یادگیری و روش فعال

مطلوب ترین روش تدریس روش فعال می باشد که بر پایه اصول یادگیری پایه گذاری شده است. همان گونه که عزتخواه (۱۳۹۰) عنوان کرده است، در این روش وضعیت کلاسی را که مورد نظرمان است می توان در سه اصل یادگیری ذیل که بهتر است آن ها را سه اصل آموزش نیز بنامیم خلاصه نمود :

۱. **یادگیری فعال** : بهترین راه یادگیری هر چیز کشف آن چیز به وسیله متعلم (یادگیرنده) است. این اصلی است که مبنای روش سقراطی بوده و به اندازه خود یادگیری قدمت دارد.



۲. بهترین تحریک (انگیزه): برای آنکه یادگیری موثر و فعال باشد متعلم یابد در موادی که به وی یاد داده می شود علاقه مند باشد و در فعالیت یادگیری خشنودی بیابد، و این در صورتی تحقق می یابد که برای یادگیری انگیزه داشته باشد یک محصل (دانش آموز) تحریک شده و با انگیزه خیلی سهل تر از کسی که تحریک نشده است مطالب را فرا می گیرد. تحریکات ممکن است شامل، آرزوی یادگیری، احتیاج به نقش داشتن، آرزوی داشتن یک مدرک به خصوص و یا پرهیز از تنبیه باشند. البته یادگیری تحت تحریکات ذاتی بر یادگیری تحت تحریکات خارجی رجحان دارد.

### ۲-۶ فازها با مراحل متوالی آموزش

یادگیری با عمل و خیال و گمان شروع می شود. پس از آنجا به کلمات و مفاهیم می انجامد. و باید به صورت عادات ذهنی مورد نظر خاتمه یابد. به عبارت دیگر برای آنکه یادگیری مؤثر و فعال باشد، لازم است که یک فاز کاوشگری مقدم بر فاز تشکیل عبارت و مفاهیم وجود داشته باشد، سرانجام باید مواد یاد شده به وضعیت سازی متعلم و رفتار وی سهمی ببخشند و با این وضعیت یکی شوند. در روان شناسی می گویند که یادگیری برای تغییر رفتار است. این بدان معنی است که یادگیرنده مطالبی را که یاد گرفته در رفتار او یابد اثر بگذارد و با شخصیت وی وحدت پیدا کند. برای مثال محصلی که ضرب اعداد یک رقمی را خوب یاد گرفته به محض آنکه یک چنین ضربی را به وی ارائه دهیم عکس العمل نشان داده و جواب آن را می گوید، در صورتی که قبل از یادگیری این ضرب یادگیری دیگر داشت و عکس العملی غیر از این داشته است ( عزتخواه، ۱۳۹۰).

### ۳-۶-۱ تدریس به روش فعال

با توجه به اصول فوق الذکر، در عمل معلمین با استفاده از وسایل کمک آموزشی به طرق مجسم، نیمه مجسم و مجرد و به یاری فنون و هنرهای معمولی مانند استفاده از داستان های مناسب و نقاشی های متناسب مقدماتی فراهم می کند تا متعلم در طی آن به کشف و مفاهیم و روابط مورد نظر نایل شود (مرحله کاوشگری)، سپس با استفاده از سوال و جواب و بحث بین معلم و بچه ها و یا خود بچه ها تشکیل عبارات مورد نظر انجام می گیرد. در مرحله آخر با تمرین های مکرر و ممارست های عملی در مورد مفاهیم و تکنیک های یاد شده سعی می شود این مفاهیم و مطالب با رفتار متعلم وحدت پیدا کند. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که در مراحل کاوشگری و تشکیل عبارات و مفاهیم، تعاون و همکاری گروهی بچه ها با یکدیگر نقش به سزایی دارد. چنانچه امکانات کلاس اجازه دهد باید معلمین سعی کنند که در ضمن آموزش، حس تعاون و همکاری گروهی را در بچه ها تقویت کنند و از آن به عنوان عاملی در جهت آموزش و یادگیری صحیح استفاده نمایند (شعبانی، ۱۳۹۲).

### ۳-۷ سیر تفکر دانش آموز در آموزش درس ریاضیات

الف) روش استقرایی: در این روش معلم دانش آموزان را از راه تحقیق و بحث به شناخت اصول و حقایق ریاضی راهنمایی می کند. ابتدا بحث از جزئیات و مثال ها و شواهد آغاز می شود و با بررسی آنها، به اصول و قواعد کلی ریاضیات دست می یابند. مثلاً در تدریس هندسه ابتدا معلم شکل های هندسی مختلف را به دانش آموزان می دهد، سپس با تحریک دانش آموزان به تشخیص صفات مشترک آنها به کمک خود آنان نتیجه می گیرد که مربع، مستطیل یا مثلث به چه نوع شکلی می گویند. چون روش هر بارت مری بزرگ آلمانی بر اساس همین روش استقرای بنیانگذاری شده است، بیشتر معلمان ریاضی از مراحل تدریس او استفاده می کنند (گولدین ۲۰۱۳). هنوز و همکاران (۲۰۱۴) برای تدریس چهار مرحله پیشنهاد کرده اند که دانشمندان بعد از او آن را به پنج مرحله به شرح زیر رسانده اند:

۱. آمادگی: در این مرحله از تدریس معلم می کوشد ابتدا در دانش آموزان نسبت به موضوع درس رغبت ایجاد کند، سپس هدف درس را روشن کند، سپس معلومات قبلی دانش آموزان را بررسی و مطالب جدید را بر پایه معلومات قبلی آنان تدریس کند.

۲. عرضه: معلم درس تازه را عرضه می کند و به اصطلاح موضوع جدید را با توجه به هدف هایی که پیش بینی کرده است به دانش آموزان تدریس می کند.





۳. مقایسه: بین معلومات قبلی و درس ارتباط برقرار و مقایسه می کند و در این مقایسه است که به اصول کلی دست پیدا می کند در این مرحله از تدریس ریاضیات، معلم قاعده را پیدا می کند و تعاریف را ارائه می دهد مانند تعریف چند ضلعی و نظایر آن ها.

۴. تعمیم: نتایج به دست آمده در مرحله سوم که در ریاضیات قاعده گفته می شود در مواقع مقتضی و همانند تعمیم داده می شود.

۵. کاربرد و تطبیق: مانند حل مسائل ریاضی، بعد از یاد گرفتن قاعده، روابط ریاضی را به کار می برند تطبیق می دهند.

ب) روش قیاسی: در این روش ابتدا، معلم قاعده را در درس های ریاضی می گوید، سپس مثال می زند، مانند مثلث شکلی است دارای سه زاویه و سه ضلع که اضلاع آن دو به دو همدیگر را قطع می کنند، بعد از گفتن این قاعده، از دانش آموز خواسته می شود تمام اشکالی را که در محیط اطراف خویش به شکل مثلث دیده است مشخص کند بعد از آن به بررسی اجزای مثلث مانند اضلاع و زوایا می پردازند (دیویاک و کو، ۲۰۰۸). ولی سوال این است که در مدارس ابتدایی برای تدریس ریاضیات کدام یک از موارد مذکور بهتر است و چرا؟

#### ۴. نتیجه گیری:

در این پژوهش با یادگیری بر اساس اجرای پروژه با حل مسئله آشنا شدیم که تاریخ آن از تاریخ تعلیم و تربیت کوتاهتر نیست این روش یادگیری در طی زمان همراه با تغییر و تحولات در درک اصول و تئوری های یادگیری به موازات تحقیقات در علوم روان شناسی شکل گرفته است.

یادگیری بر اساس اجرای پروژه مدیریتی بر فعالیت های کلاس است که از روشهای معلم محور می باشد و همیشه در آن این خطر وجود دارد که توجه و تمرکز دانش آموز به فراگیری مطلب مورد نظر از دست برود. یادگیری بر اساس اجرای پروژه فرصتی فراهم می آورد تا دانش آموزان انواع تکنولوژی ها را به عنوان ابزار طراحی، ایجاد و با ارائه پروژه های شان به شکلی موثر به کار ببرند. روش مسئله ای در حقیقت نوعی آماده کردن فراگیر برای زندگی است، زیرا زندگی یعنی مواجه شدن با مسائل و کوشش برای حل آن. در این روش، فعالیت های آموزشی به گونه ای تنظیم می شود که در ذهن فراگیر مسئله ایجاد شود و او علاقه مند شود که با تلاش خود راه حلی برای آن مسئله پیدا کند. آن گونه که گولدین بیان کرده ان، در روش مسئله ای، دانش آموز باید شرایط زیر را داشته باشد تا بتواند مسئله را حل کند: ۱. توجه به مسئله ۲. قدرت شناخت و درک مسئله. ۳. تشخیص ویژگی های مسئله ۴. آمادگی برای حل مسئله ۵. قدرت تنظیم راه حل های احتمالی ۶. قدرت انجام دادن مسئله و گرد آوری اطلاعات و تحلیل آن ها ۷. قضاوت در مورد مسئله و اطلاعات و گرد آوری شده و پذیرفتن راه حل های معتبر و کنار گذاشتن فرضیه غیر معتبر. محاسن و محدودیت های این روش حل مسئله عبارت اند از:

محاسن: ۱. موجب ارتباط فعالیت های مدرسه با زندگی واقعی شاگرد می شود ۲. از نظر روان شناسی، بهترین روش های تربیتی برای ایجاد تفکر علمی در شاگردان است ۳. چون ثابت و خشک و غیر قابل انعطاف نیست، باعث برانگیختن علاقه طبیعی شاگردان به درس می شود. ۴. تقریباً قابل انعطاف با وضع کلاس های متداول است.

محدودیت ها: ۱. نسبت به فعالیت های متداول مدرسه احتیاج به زمان بیشتری دارد. ۲. احتیاج به معلمان با تجربه و آشنا با روش تحقیق دارد. ۳. وقت گیر است و ممکن است با توجه به برنامه های جاری مدارس نتوان این روش را به طور مؤثر اجرا کرد. سه اصل یادگیری زیر که بهتر است آن ها را سه اصل آموزش نیز بنامیم. ۱. یادگیری فعال: بهترین راه یادگیری هر چیز کشف آن چیز به وسیله متعلم (یادگیری) است. این اصلی است که مبنای روش سقراطی بوده و به اندازه خود یادگیری قدمت دارد. ۲. بهترین تحریک (انگیزه): برای آنکه یادگیری موثر و فعال باشد متعلم باید در موادی که به وی یاد داده می شود علاقمند باشد و در فعالیت یادگیری خشنودی بیابد. ۳. فازها یا مراحل متوالی آموزش: یادگیری با عمل و خیال و گمان شروع می شود و سپس به کلمات و مفاهیم می انجامد.

منابع:

آرمند، محمد. (۱۳۹۴). روشهای تدریس فعال ونقش و اهمیت آنها در آموزش و پرورش، مجله تکنولوژی، شماره ۹.

# دوین کنفرانس ملی مطالعات خانوادہ و مدرسہ



ادیب نیا، اسد. (۱۳۹۶). روشها و فنون تدریس علوم تجربی شوشتر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی. چاپ دوم.

اسدی دستجردی، پریسا (۱۳۹۲). بررسی تاثیر آموزش مهارت حل مساله بر کاهش خشم، افزایش توانمندی حل مساله و افزایش سازگاری دختران مستقر در بهزیستی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ.

افضل نیا، محمد رضا (۱۳۸۷). طراحی و آشنایی با مراکز و مواد و منابع یادگیری، تهران: انتشارات سمت.

بازرگان، عباس و سرمد، زهره و حجازی، الهه (۱۳۹۱). روش های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه بلیکی، نورمن (۱۳۹۱)، طراحی پژوهش های اجتماعی، ترجمه: حسن چاووشیان، تهران: نشر نی

بیرامی، منصور؛ موحدی، یزدان؛ موحدی، معصومه. (۱۳۹۳). ارتباط حمایت اجتماعی ادراک شده و احساس تنهایی اجتماعی عاطفی با اعتیاد به اینترنت در جامعه دانشجویی. شناخت اجتماعی، ۳(۲): ۱۰۹-۱۲۲.

چانگ، ادوارد (۱۳۹۴). حل مساله اجتماعی. ترجمه دکتر ربابه نوری، محمدعلی نوری. تهران: ارجمند.

چمل نژاد، مرتضی، (۱۳۹۳)، درس پژوهی پارادایمی نو در آموزش و پرورش، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران

حیدری اسبویی، عادلہ . (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین حل مسئله، مهارت های زندگی با سلامت روان دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان بابل. پایان نامه کارشناسی ارشد.

زهراکار، کیانوش و رضازاده، آزاده. (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر خود کارآمدی دانش آموزان دختر دبیرستان های شهرستان رشت. فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی؛ ۵ (۳): ۱۵۰-۱۳۳.

سیف، علی اکبر. (۱۳۹۳). روانشناسی پرورشی نوین، تهران: انتشارات دوران، چاپ پنجاه و ششم.

شریفزاده، یوسف. (۱۳۹۱). مهارت حل مسئله. مرکز مشاوره حوزه علمیه خراسان، چاپ اول. شمارگان ۳۰۰۰.

شعبانی، حسن، (۱۳۹۲)، مهارت های آموزشی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).

شکوهی یکتا، محسن و زمانی، نیره (۱۳۹۱). کاربرد آموزش برنامه حل مساله بین فردی در کاهش رفتارهای مشکل ساز دانش آموزان دیرآموز: مطالعه تک آزمودنی. روش ها و مدل های روانشناختی، سال دوم، شماره هشتم، صص ۷۱-۵۵.

طالب پور، مهدی؛ حسینی، علیرضا؛ جباری، هادی و جباری، مهدی (۱۳۹۴). بررسی و مقایسه ذهنیت فلسفی مدیران، مربیان و سرپرستان تیم های ورزشی دانشگاه های سراسر کشور. مجله پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۷، صص ۱۳۰-۱۰۹.

عطادخت، اکبر، نوروزی، حمید، غفاری، عذرا. (۱۳۹۲)، تأثیر آموزش حل مسئله ی اجتماعی در ارتقای بهزیستی روان شناختی و تاب آوری کودکان دارای اختلال یادگیری، مجله ی ناتوانی های یادگیری، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۰۸-۹۲.

محمد امینی، زرار. (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی آموزش راهبردهای یادگیری خودتنظیمی و حل مسئله بر فرسودگی تحصیلی، خودکارآمدی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان اهل کار. پایان نامه کارشناسی ارشد.

محمدی، بیوک (۱۳۹۰)، درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، مطالعات فرهنگی

میکلانی، سمیه. (۱۳۹۶). اثربخشی مددکاری گروهی مبتنی بر راهبردهای مقابله ای بر مهارت حل مسئله مورد مطالعه (نوجوانان دختر ۲۱ تا ۲۱ سال مؤسسه خانهای برای آینده). پایان نامه کارشناسی ارشد.

میرز، چت. (۱۳۹۴) آموزش تفکر انتقادی ترجمه: خدایار، ابیلی. تهران: سمت.

ویسی، پرستو و خوراهله، سمیه و دهقانی، پروین و رجبی، وحیبه، (۱۴۰۰)، بررسی آموزش مبتنی بر مهارت حل مسئله بر اهمالکاری تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی، همایش ملی پژوهش های حرفه ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم، میناب